

عقيدة أهل سنت وجماعات

تأليف :

محمد بن صالح العثيمين

ترجمة

إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

معاونت مطبوعات و بزوشن علمی

وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد

عربستان سعودی

عقیده اهل سنت و جماعت

تألیف :

محمد بن صالح العثيمین حفظہ اللہ علیہ

ترجمہ

إسحاق بن عبد الله دبیري الوضى

معاونت مطبوعات و پژوهش علمی

وزارت امور اسلامی، اوقاف، دعوت و ارشاد

عربستان سعودی

۱۴۷۹ھ

ح () وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ١٤٢٧هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية لتراث النشر

العثيمين، محمد بن صالح

عقيدة أهل السنة والجماعة، / محمد بن صالح العثيمين .-

١٤٢٥هـ - الرياض

٩٦ ص : ٢٠١٧

ردمك : ٩٩٦٠-٢٩-٤٩١-٩

(النص باللغة الفارسية)

١- العقيدة للإسلامية العنوان

١٤٢٥/٦٠١٣

دبوی ٢٤٠

رقم الإيداع : ١٤٢٥/٦٠١٣

ردمك : ٩٩٦٠-٢٩-٤٩١-٩

الطبعة الخامسة

١٤٢٩هـ



فهرست مطالب

عنوان	ص
مقدمه مترجم	۸
تقدیم	۱۰
مقدمه مؤلف	۱۲
عقیده ما: ایمان به خدا ... ایمان به ربویت والوہیت و اسما وصفات و یگانگی خداوند در آن	۱۴
آیت الکرسی	۱۵
عالی و آگاه بودن و سخن گفتن باری تعالی	۱۹
خداوند بر عرش	۲۲
کفر و گمراهی کسی که بگوید: خدا با خلق در زمین است	۲۴
نزول خدا به آسمان دنیا و آمدن خدا در روز محشر برای قضاؤت بین بندگان	۲۴
اراده جهانی و اراده شرعی	۲۵
مراد و خواست خدا چه جهانی و چه شرعی تابع و پیرو حکمت اوست	۲۷
محبت، خشنودی، کراحت، خشم، غصب خداوند	۲۹
صورت و رخسار و دو دست و دو چشم خداوند	۳۰
دیدن مؤمنین خدای خود را بدون آن که چشم، او را	۳۲



عنوان

۱	ادراك و احاطه کند
۲۳	خدا را از مثل و مانند مبرا دانستن
۳۴	دور دانستن خدا از کسالت خواب و خواب رفتن و ظلم، غفلت، ناتوانی، خستگی و فرسودگی
۳۵	ثابت کردن ذات خداوند بدون شبهات و چگونگی
۳۶	سکوت در آن چه خدا و رسولش <small>علیه السلام</small> از آن سخن نگفته‌اند
۳۷	پیروی از راه و روش رسول <small>علیه السلام</small> و بیان آن استناد مؤلف در اثبات یا نفی، بر قرآن و سنت پیامبر
۳۸	<small>علیه السلام</small> و امامان اهل سنت کلام صريح و آشکار قرآن و سنت را برابر ظاهر و حقیقت آن حمل کردن و دوری از راه گمراهان و تأویل کندگان و غلوکندگان در کتاب خدا
۳۹	قرآن و سنت، حق و حقیقت است
۴۰	هیچ نقض واختلافی در قرآن و سنت وجود ندارد
۴۱	مدعی نقض واختلاف در قرآن و سنت، گمراه است
۴۲	فکر و ادراكِ ناقضٍ قرآن و سنت، کم است فصل: ايمان به فرشتگان



عنوان

۴۳ هر یک از فرشتگان بر اعمالی گماشته شده‌اند

۴۵ بیت المعمور

۴۷ فصل: ایمان به کتاب‌های خدا

۴۷ ایمان به اینکه بر هر پیامبری کتابی نازل شده است

۴۷ کتاب‌های ظاهر و آشکار

۴۹ قرآن، شاهد و گواهی صادق بر کتاب‌های آسمانی پیشین و محفوظ به حفظ خدادست

۵۴ فصل: ایمان به پیامران و حکمت فرستادن آنها

۵۴ اولین و آخرین پیامران

۵۵ برترین پیامران

۵۵ فضیلت دین محمد ﷺ بر ادیان دیگر

۵۶ پیامران، بشر و مخلوق خدا هستند و صفت عبودیت و پرستش ندارند

۵۹ شریعت محمد ﷺ آیین اسلام است که خدا به آن راضی است

۶۰ هر کس ادعا کند که خداوند، دینی غیر از اسلام می‌پذیرد، کافر است

۶۱ کافر به رسالت محمد ﷺ، به تمامی پیامران کافر است

عنوان

٦٥	هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست و کسی که ادعای نبوت کند یا ادعاکننده را باور کند، کافر است
٦٦	خلفای راشدین: بهترین و شایسته‌ترین آن‌ها به خلافت
٦٧	فضیلت بعضی از خلفا بر بعضی دیگر
٦٨	امت محمدی بهترین امت هاست
٦٩	گروه همیشه بر حق
٧٠	آن چه بین صحابه از جنگ و اختلاف رخ داد، از روی اجتهاد بود
٧١	نباید از بدی صحابه سخن گفت
٧٢	فصل: ایمان به روز آخرت
٧٣	ایمان به حشر و نامه و ترازوی اعمال
٧٤	شفاعت خاص و عام
٧٥	حوض رسول الله ﷺ و پل صراط
٧٦	ایمان به بهشت و دوزخ
٧٧	بهشتیان و دوزخیان
٧٨	ایمان به سختی، عذاب و خوشی قبر
٧٩	امور غیبی با امور دنیوی تنافقی ندارد
٨٠	ایمان به قضا و قدر

	عنوان
۷۸	مراتب ایمان به قضا و قدر
۸۰	اختیار و مشیت و قدرت عملِ بندۀ
۸۱	پنج دلیل بر اختیار انسان
۸۳	گناهکار هیچ حجت و دلیلی ندارد
۸۶	شر نزد خدا شر نیست، چون قضای او مطلق است
۸۷	شر در آن چه قضا کرده، وجود دارد
۸۹	فصل: فایده‌های این عقیده والا
۸۹	فواید ایمان به خدا
۸۹	فواید ایمان به فرشتگان
۹۰	فواید ایمان به کتاب‌های خدا
۹۱	فواید ایمان به پیامبران
۹۱	فواید ایمان به روز آخرت
۹۲	فواید ایمان به قضا و قدر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة هاجم

وبه ستعين وصلى الله على محمد والله وصحبه أجمعين.

سپاس خدایی را که در هر دوره و زمانی پس از پیامبران، عده‌ای از اهل علم را برمی‌گزیند تا کسانی را که گمراه شده‌اند به سوی هدایت خداوندی دعوت کنند. آن‌ها بر اذیت و آزار مردم صبر و شکیبایی می‌کنند، با کتاب خدا - قرآن - مردگان را زنده می‌کنند، و با نور الهی، نایبینایان را روشنایی و بصیرت می‌بخشند. چه انسان‌هایی که به دست شیطان کشته شده‌اند و اینان زنده‌شان کرده‌اند و چه بسیار گمراهان و گم شدگانی که راه هدایت را از آنان آموخته‌اند. چه آثار خوبی از آن‌ها که بر روح و جان مردم اثر گذاشته و چه تأثیر بد مردم بر آن‌ها.

آنان تحریف و تبدیل افراط و غلوکنندگان، و تاویل جاهلان و نادانان را از کتاب خدا برطرف می‌کنند. وای بر آنان که پرچم‌های بدعت را برافراشته‌اند و ریسمان فتنه را بر دوش گرفته‌اند، آن‌ها که در کتاب خدا اختلاف می‌اندازند و با آن

مخالف هستند و بر جدایی از قرآن اجماع می‌کنند. بر خدا، در خدا، و در کتاب خدا، به دور از آگاهی و معرفت سخن می‌گویند، با زبان قرآن و مانند قرآن سخن می‌گویند، و نادانان را با مثل و مانندها می‌فریبند. پس، از فتنه‌ی گمراهان به خدا پناه می‌بریم.

کتاب حاضر که به طور خلاصه عقیده اهل سنت و جماعت را بیان می‌کند به فارسی زبانان جهان تقدیم می‌شود. امید است که خوانندگان محترم، کاستی‌ها و کمبودها را نادیده انگارند و عقیده اهل سنت و جماعت را از ضمیر پاک خود بیاموزند.

وَعَلَى اللَّهِ وَسْلَمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَاحِبِهِ وَمَنْ تَبَعَهُمْ
بِإِحْسَانٍ إِلَهٌ يَوْمَ الْحِلْيَنِ.

إِسْحَاقُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ دِيدِرِي

ریاض-شعبان ۱۴۱۹ هـ . ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِفَدِينِ

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده
وعلى الله وصيبه، أما بعد:

نوشته علامه بزرگ شیخ محمد بن صالح العثیمین را
دیدم و مطالبش را که در عین اختصار بسیار مهم بود خواندم،
و مشتمل بود بر بیان عقیده اهل سنت و جماعت در باب
توحید خدا و توحید اسماء و صفات او، و نیز ایمان به
فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران و روز آخرت و قضا و قدر.
بی بردم که در گردآوری مطالب مذکور، موفق عمل کرده
است؛ چنان که مسائل مورد نیاز در باره خدا، فرشتگان،
پیامبران، کتاب‌ها، روز آخرت، و قضا و قدر را به خوبی بیان
کرده، همچنین مطالب مفید مربوط به این عقاید را بر آن
افزوده در حالی که ممکن است در کتب عقیده دیگر نباشد
خدا او را پاداش نیک دهد، و علم و هدایت به او عطا

کُند، و فواید این کتاب و سایر کتاب‌های او را به همگان
برساند، و ما را از هدایت شدگان و دعوت‌کنندگان به سوی
حق به وسیله علم و دانش و بصیرت بگرداند.
إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ.

وَصَلَى اللَّهُ وَسَلَمَ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَاحِبِهِ
قَالَهُ مَمْلِيَّهُ الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:
عَبْدُ الْعَزِيزَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ بَازِ سَامِحَهُ اللَّهُ
الرَّئِيسُ الْعَامُ لِلْادَارَاتِ الْبَحُوثِ الْعِلْمِيَّهِ وَالْإِفتَاءِ
وَالْكَعُوهِ وَالْإِرْشَادِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة مؤلف

الحمد لله رب العالمين والاعقبة للمتقين ولا عذوان إلا على
الظالمين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الملك الحق
المبين، وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله خاتم النبيين وإمام
المتقين، صلوا الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى
يوم القيمة أما بحسب:

خداؤند متعال پیامبر خود محمد ﷺ را برای هدایت به
دین حق فرستاد. او رحمتی است برای جهانیان و پیشوای
حجتی برای همه بندگان. از طریق او و فرستادن قرآن و
سنّت، عقاید صحیح، کردار نیک، اخلاق شایسته، آداب
برجسته و عالی را بیان کرده است که صلاح و درستی احوال
بندگان در دین و دنیا در آن نهفته است.

پس پیامبر ﷺ امت خود را بر راه مستقیمی رها کرد که
شب آن همانند روز روشن، آشکار و واضح است، و بجز
گمراهان کسی از آن راه منحرف نمی‌شود.

صحابه و تابعین و کسانی از امت پیامبر همین راه را به

نیکی پیروی نمودند، آنها کسانی هستند که ندای خدا و رسول الله ﷺ را پاسخ گفتند و بهترین انسان‌ها هستند، کسانی هستند که بر شریعت وی در ساحه عقیده، عبادت، اخلاق، آداب پایدار ماندند و به سنت او چنگ زدند و تمسک ورزیدند، پس آنها رستگارانی هستند که همیشه بر حق‌اند و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر و زیان نمی‌رساند تا بربا شدن روز قیامت آن برحق پایدار خواهد بود.

ما نیز - الحمد لله - راه و روش آن‌ها را که با قرآن و سنت تایید شده است دنبال می‌کنیم و خدا را بر نعمت‌هایش شکر و سپاس می‌گوییم، و از خداوند خواستاریم تا ما و مسلمانان را با قول ثابت در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه دارد، رحمت خود را بر ما فرو فرستد؛ چرا که او بسیار بخشنده است.

به جهت اهمیت این موضوع - با وجود اختلاف نظر مردم درباره این موضوع - دوست داشتم به طور مختصر عقیدهٔ ما - عقیدهٔ اهل سنت و جماعت - ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر را به نگارش در آورم.

از خداوند متعال خواهانم آن را خالصانه مورد رضا و خشنودی خود و سودمند برای بندگان خود قرار دهد.

عقيدة ما**(ارکان عقیده)**

۱ - عقيدة ما: ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب ها، پیامبران خدا، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر است.

(تفصیل ایمان به خدا)

۲ - ایمان می آوریم به خدای تعالی؛ یعنی، او تربیت کننده، خالق، مالک و تدبیرکننده تمام کارهاست.

۳ - ایمان می آوریم به الوهیت خداوند بزرگوار؛ یعنی اوست پروردگار بر حق و هر خدایی غیر از او باطل است.

۴ - ایمان می آوریم به نامها و صفت‌های باری تعالی؛ یعنی نام‌های نیک، و صفت‌های عالی و کامل، مخصوص اوست.

۵ - ایمان می آوریم به یکتائی او، یعنی این که: خدا یکتاست و در پروردگاری، نامها و صفت‌ها هیچ شریکی ندارد.

باری تعالی می فرماید: ﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَأَصْطَبِرْ لِعِنْدَهِ﴾، هل تَعْلَمُ لَهُ سَمِيَّاً (٦٥). (مریم: ٦٥).

«همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار

دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟!».

۶- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيُومُ لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْهُ وَلَا يَأْتِيهِ بِعِلْمٍ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُعْجِزُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْغَفِيلُ﴾ (البقرة: ۲۰۵).

«هیچ معبدی بحق نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است).

و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست). عرش او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست».

۷ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ الْفَتِیْبُ وَالشَّهَدَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴾ ۲۲ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ الْقَدُوْسُ أَسَلَمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمَّيْنُ الْمَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ شَبَّحَنَ اللَّهُ عَمَّا يَتَكَبَّرُونَ ﴾ ۲۳ هُوَ اللَّهُ الْخَلِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَسِيْحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ ۲۴﴾ .
الحضر (۲۲-۲۴).

«او خدائی است که معبدی بحق جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، او رحمان و رحیم است. او خدائی است که معبدی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش

است، و مراقب (همه چیز) است، او قدرتمندی شکست‌ناپذیر است که با ارادهٔ نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایستهٔ عظمت است، خداوند منزه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورتگری بی‌نظیر، برای او نامهای نیک است، و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند، و او عزیز و حکیم است».

۸ - ایمان می‌آوریم به این که: برای اوست ملک آسمانها و زمین ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهْبِطُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّهُ وَيَهْبِطُ لِمَن يَشَاءُ اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ (۶۶) و ﴿أَوْ يُرْزُقُهُمْ ذِكْرَ أَنَا وَلَإِنَّهُ وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ فَقِيرٌ﴾ (۶۰).

(الشوری ۴۹-۵۰).

«هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است».

۹ - ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَفَعٌ وَهُوَ أَلَّا سَمِيعٌ

البصير ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ لِمَن يُكْلِلُ شَفَقًا عَلَيْهِ ﴿١٢﴾ . (الشورى ١١ - ١٢).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنو و بیناست! کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد یا محدود می‌سازد؛ او به همه چیز داناست».

١٠ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْنَفَهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (٦). (هود ٦).

«هیچ جنبندهای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ ، در کتاب علم خدا)».

١١ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿وَعِنَّهُمْ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَعِنَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (٩). (الأنعام ٩).

«کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را

نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است».

۱۲ - ایمان می آوریم به این که: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيَعْلَمُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدَّاً وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ خَيْرٌ﴾ (آل عمران: ۳۴).

«آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحم‌ها (مادران) است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ خداوند عالم و آگاه است!».

۱۳ - ایمان می آوریم به اینکه: باری تعالی سخن می گوید با هر چیز، و هر زمان، و هرگونه که بخواهد: ﴿وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكَلِّيمًا﴾ (النَّاسَ: ۱۶۴).

«و خداوند با موسی (حقیقتاً و بدون واسطه) سخن گفت.

(این آیه صفت کلام برای خدا چنانکه به جلال خدا لایق است می‌رساند (مترجم)».

﴿وَلَمَّا جَاءَهُ مُوسَىٰ لِيُمْكِنَنَا وَكَلَمَةً، رَبُّهُ،﴾ (الأعراف ۱۴۳).

«و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت».

﴿وَنَدَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الظُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَبَتْهُ نَحْيَا﴾ (مریم ۵۲).

«ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ و با او سخن گفتیم».

۱۴ - ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿فُلَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لِكَلْمَنْتِ رَقِيْلَفِدَ الْبَحْرِ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلْمَنْتُ رَقِيْلَفِدَ﴾. (الکهف ۱۰۹).

«بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد».

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَفْلَمُ وَالْبَحْرُ يَمْدُدُهُ، مِنْ بَعْدِهِ، سَبْعَةُ أَبْخُرٍ مَا نَقَدَتْ كَلْمَنْتُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (لقمان ۲۷).

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن

مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است».

۱۵ - ایمان می‌اوریم به این که: کلمات و سخنان خدا کامل‌ترین کلمات و سخنان است، صادق در اخبار، عادل در احکام، و نیکو در گفتار؛ چنان که باری تعالی می‌فرماید:

﴿وَتَمَّتْ لِكَمْتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾. (الأنعام ۱۱۵)

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾. (النساء ۸۷).

«و کیست که از خداوند، راستگو‌تر باشد؟».

۱۶ - ایمان می‌اوریم که قرآن کریم، کلام خدای تعالی است، در آن از روی حقیقت، سخن گفته است و آن را به سوی جبریل ﷺ فرو فرستاده، سپس جبریل آن را بر قلب رسول الله ﷺ نازل کرده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿قُلْ نَزَّلَ اللَّهُ رُوحُ الْقُدْسٍ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾. (التحل ۱۰۲)

«بگو، روح القدس (جبریل)؛ آن را از جانب پروردگارت

بحق نازل كرده».

و می فرماید: ﴿وَنَزَّلَنَا رِبُّ الْكَوَافِرِ نَزْلَةً يَوْمَ الرُّوحِ الْأَمِينِ﴾^{۱۹۵} عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذَرِينَ^{۱۹۶} يُلْسَانِ عَرَفِيٍّ مُبِينٍ^{۱۹۷}. (الشعراء ۱۹۲-۱۹۵). «مسلمًا این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! روح الامین(جبریل ﷺ) آن را نازل کرده است بر قلب (پاک) تو، تا از انذار کنندگان باشی! آن را به زبان عربی آشکار نازل کرد)!».

۱۷ - ایمان می آوریم به این که: خدای بزرگوار، به ذات و صفت خود، بر خلقش برتری دارد؛ چنان که می فرماید: ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^{۱۹۸}. (البقرة ۲۵۵).

«او (خداوند) بالا و بلند مرتبه و با عظمت است». و می فرماید: ﴿وَهُوَ الْفَاعِلُ فَوَّقَ عِبَادَةِ، وَهُوَ الْحَكِيمُ الْغَيِّرُ﴾^{۱۹۹}. (الأنعام ۱۸).

«اوست که بر بندگان خود، فوق و غالب است؛ و اوست حکیم آگاه!».

۱۸ - ایمان می آوریم به اینکه او: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

﴿إِنَّمَا شَمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾. (یونس ۳). «پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت».

قرار گرفتنِ خدا بر عرش، علو و برتری بر آن با ذات مقدس خود، خاص و شایسته جلال و عظمت خداوندی است و هیچ کس بجز خدا چگونگی آن را نمی‌داند.

۱۹ - ایمان می‌آوریم به این که: خدای تعالی با خلق خود است، و بر عرش قرار دارد، احوال آن‌ها را می‌داند، گفتارشان را می‌شنود، کارهای آن‌ها را می‌بیند و امور و شؤون آن‌ها را تدبیر می‌کند؛ فقیر را رزق و روزی می‌دهد، هر کس را بخواهد عزت مُلک و سلطنت می‌بخشد، و از هر که بخواهد می‌گیرد، به هر که بخواهد عزت و اقتدار می‌بخشد، و هر که را بخواهد خوار و ذلیل می‌گرداند، هر خیر و نیکی، به دست اوست، و تنها او بر هر چیز تواناست.

و آن ذاتی که دارای چنین مرتبه و مقام است، او حقیقتاً با

آفریدگانش همراه است، با آنکه در حقیقت بالای آنها بر عرش خود قرار دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ﴾.

شَرٌّ وَهُوَ أَسَمِيعُ أَبْصَرٍ ﴿١١﴾. (الشورى ۱۱).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

و ما عقیدهٔ گروه حلولیه مانند جهتمیه را نمی‌پذیریم که می‌گویند: خدا در همه چیز حل شده است؛ که می‌گویند: «خدا با خلقش در زمین است» بر این باوریم که هر کس این چنین بیندیشد، کافر و گمراه است؛ زیرا خداوند را به نقصائص و عیوب‌هایی توصیف کرده است که شایستهٔ او نیست.

۲۰ - ایمان می‌اوریم به آن چه رسول الله ﷺ خبر داده است که: خداوند متعال، هر شب به آسمانِ دنیا فرود می‌آید آن‌گاه که یک سوم شب، باقی مانده باشد و می‌فرماید: «من یدعوني فأستجيب له، من يسألني فأعطيه، من يستغفرني فأغفر له». [متفق عليه].

چه کسی مرا دعا می‌کند تا او را اجابت کنم، و چه کسی از من پرسشی دارد تا به او عطا نمایم، چه کسی از من

آمرزش می خواهد تا گناهان او را بیخشایم.

۲۱ - ایمان می آوریم که: خداوند باری تعالی روز قیامت برای فصل^(۱) و حکم کردن بین بندگان می آید؛ چنان که می فرماید: ﴿كَلَّا إِذَا ذُكِرَ الْأَرْضُ دَكَّادَگَةً ﴾^(۲) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْعَالَمُ صَفَّا صَفَّا
وَجَاهَيْهِ يَوْمَئِنْ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِنْ يَنَذَّكَرُ الْإِنْسَنُ وَأَنَّ لَهُ الْذِكْرَى ﴾^(۳).
(الفجر ۲۱).^(۴)

و چنان نیست که آنها (دنیاطلبان)، می پنداشند، در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود. و خداوند برای فصل قضاوت بین خلائق بیاید، و فرشتگان صفات در صفات حاضر شوند. و در آن روز جهنم را حاضر می کنند (آری) در آن روز انسان متذکر می شود، اما این تذکر چه سودی برای او دارد».

۲۲ - ایمان می آوریم به این که: خداوند: ﴿فَتَالِيَّا يُرِيدُ ﴾^(۵)
(البروج ۱۶). «و آنچه را می خواهد انجام می دهد».

۲۳ - ایمان می آوریم که: باری تعالی دو نوع اراده دارد:
الف - اراده کونی (متعلق به کائنات): این که مراد و

(۱) جدا کردن حق از باطل.

خواست او باید واقع گردد^(۱) و لازم نیست که آن مراد (آن چیزی که طبق اراده کوئی واقع می‌گردد) برای او محبوب و دوست داشتنی باشد؛ و این نوع اراده را مشیت نیز گوید، چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَقْعُلُ مَا يُرِيدُ﴾.

﴿البقرة، (۲۵۳)﴾.

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند)».

و می‌فرماید: ﴿إِنَّ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَعْوِيَكُمْ هُوَ أَبْيَكُمْ﴾. (هود: ۳۴). «هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهاتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست».

ب - اراده شرعی (متعلق به اوامر و نواهى): و حتمی نیست که مراد وی طبق این اراده واقع گردد، ولی مراد

(۱) یعنی تقدير و سرنوشتی که خداوند بر بندگان خود تعین کرده است و ناگزیر باید این سرنوشت و تقدير واقع گردد. مانند حوادث و رویدادهایی که در جهان هستی رخ می‌دهد. مترجم.

خداؤند در این جا محبوب است^(۱)؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ﴾. (النساء ۲۷).

«و خدا می‌خواهد شما را بپخشد».

۲۴ - ایمان می‌آوریم به اینکه: مراد و خواست خدا چه کونی و چه شرعی بر اساس حکمت اوست.

پس، خداوند وقوع هر چیزی را که اراده کرده و یا شرعاً بندگانش را به آن مکلف نموده باشد، همهٔ آن‌ها، طبق اوست، چه ما به حکمت آن پی ببریم، و یا عقل و فهم ما از درک آن قاصر باشد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمُ الْحَكَمَيْنَ﴾. (البین ۸).

«آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست؟!».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حَكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقَنُونَ﴾. (المائدہ ۵۰). [و چه کسی بهتر از خدا، برای کسانی که یقین دارند حکم فرماست؟].

(۱) محبوب است یعنی خدا آن را دوست دارد، با این حال لازم نیست که واقع گردد مثل شخص کافر؛ خدا دوست دارد که او مسلمان باشد و لی مسلمان نیست مترجم.

۲۵ - ایمان می آوریم که: خداوند، دوستان خود را دوست دارد و دوستان خدا او را دوست دارند؛ چنان که می فرماید: ﴿فَلَمْ يَرَهُوا مِنْ حَمْلَةٍ إِلَّا أَتَيْنَاهُمْ بِهِ وَلَا يُنْهَى عَنْ هُدًىٰ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَا يَنْهَا عَنْ سَبِيلٍ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾. (آل عمران ۳۱).

«بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد».

و می فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِيَنَّ اللَّهُ بِقُوَّةٍ يُعَذِّبُ بِهِمْ وَيُحْمِلُهُمْ وَلَا يَنْهَا عَنْ سَبِيلٍ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾. (المائدة ۵۴). «خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند».

و می فرماید: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴾۱۴۶﴾. (آل عمران ۱۴۶). «و خداوند، صابران را دوست می دارد».

و می فرماید: ﴿وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴾۹﴾. (الحجرات ۹). «و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد».

و می فرماید: ﴿وَأَخْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾۱۹۵﴾. (البقرة ۱۹۵). «نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد».

۲۶ - ایمان می آوریم به این که خدای تعالی آن چه از

کردار و گفتار، حکم فرموده، به آن راضی و خشنود است و آن چه از آن نهی کرده، آنرا بد می‌بیند؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفَّارُ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾. (الزمر ۷).

«اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد!».

و می‌فرماید: ﴿وَلَنَكُنْ كَرِهً اللَّهُ أَنِيعَانَهُمْ فَشَجَّعَهُمْ وَقَبِيلَ أَقْعُدُوا مَعَ الْقَعِيدَينَ﴾. (التوبه ۴۶).

«ولی خدا از حرکت آنها کراحت داشت؛ از این رو توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعده‌ین» (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید!».

۲۷ - ایمان می‌آوریم به این که خدا از کسانی که ایمان آوردن و عمل صالح و نیک انجام دادند، راضی و خشنود است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِنَ

رَبِّهِمْ ﴿٨﴾ . (البيت ٨).

«هم خدا از آنها خشنود است، و (هم) آنها از خدا خشنودند. و این (مقام والا و پادشاهی مهم و بی نظیر) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

۲۸ - ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالی بر کسانی که سزاوار عقاب [و عذاب] هستند، مانند کافران و غیر آنها، خشم و غضب می‌گیرد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿أَلَّا ظَاهِرٌ لَّهُ عَلَيْكُمْ السَّوْءُ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءٍ وَغَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ . (الفتح ٦).

و آنانی که به خدا بد گمان بودند و حوادث ناگواری (برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آنان غضب کرده.

و می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ مَنْ شَرَحَ إِلَى الْكُفَّارِ صَدَرًا فَلَيَتَهُمْ غَضَبٌ مِّنْ أَنَّ اللَّهَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ . (النحل ١٠٦).

«آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان».

۲۹ - ایمان می‌آوریم به این که خدا دارای چهره‌ای

آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است:

﴿وَيَقِنَّ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْأَكَابِرِ﴾ (٢٧). (الرحمن).

«و تنها وجه خداوند ذو الجلال و گرامی باقی می‌ماند! (در این آیه صفت وجه: (روی و چهره پروردگار) بدون تشییه و چگونگی برای خداوند عز وجل ثابت می‌کند که به جلال و عظمت او سبحانه لائق است). مترجم».

۳۰ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند دارای دو دست گرامی و عظیم و بزرگ است چنان که می‌فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبِسْوَطَاتٍ يُنِيقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾. (المائدہ ٦٤). «بلکه هر دو دست او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می‌بخشد».

می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ، وَالْأَرْضُ جَمِيعًا فَبَصَّرَهُ، يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، سُبْحَانَهُ، وَقَعْدَلَ عَمَّا يُشَرِّكُونَ﴾ (٦٧). (الزمر).

«آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها

پیچیده در دست او؛ خداوند منزه و بلند مقام است از شریک‌هایی که برای او می‌پندازند».

۳۱ - ایمان می‌آوریم به این که برای خدای تعالیٰ دو چشم حقیقی است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَاصْنَعْ لِلْفَلَكَ بِأَعْيُنَنَا وَوَحْيَنَا﴾. (هود: ۳۷)

«وَكَشْتَى رَا بَا وَحْيَ مَا وَزِيرَ نَظَرِ مَا بِسَازِ». و چنان‌که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «حجابه النور لو کشفه لأحرقت سبحات وجهه ما انتهى إلَيْهِ بصره من خلقه». ([الدارمي]). «حجاب خدا نور است، اگر آن را ظاهر و آشکار کند جلال و عظمت و روشنایی چهره‌اش، (تمامی) آن آفریدگانش را که چشمش به آن رسد می‌سوزاند».

أهل سنت و جماعت، همگی بر این قولند که چشمان خدای متعال دوتاست؛ چنان‌که رسول الله ﷺ در باره دجال^(۱) می‌فرماید: «إِنَّهُ أَعُورٌ، وَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعُورٍ». ([متفق عليه]).

(۱) مردی کذاب و بسیار دروغگو که در آخر الزمان ظهور کند و مردم را بفریاد فرنگ فارسی معین-ویراستار.

«دجال یک چشم دارد و چشم دیگرش کور است و خدای تعالیٰ چنین نیست، بلکه دو چشم دارد».

۳۲ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تُذَرِكُهُ الْأَبْصَرُ وَهُوَ يُذَرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ الْلَّطِيفُ الْغَيِّرُ﴾ (الأنعام: ۱۰۳).

«چشم‌ها، او را (در دنیا) نمی‌بینند (لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید)؛ و او همه چشمها را می‌بیند؛ و او بخششده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات)، و آگاه (از همه) چیز است».

۳۳ - ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان، در روز قیامت خدا را خواهند دید؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُوَهِّنُ الْأَنْظَرُ إِلَّا لَرَبِّهَا نَاطِرٌ﴾ (القيامة: ۲۲-۲۳).

«در آن روز صورتهای (اهل سعادت) شاداب و مسرور است. و (و با شادابی) به پروردگارش می‌نگرد».

۳۴ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند، مثل و مانندی ندارد، زیرا که صفات‌های او کامل است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَفَعٌ وَهُوَ أَسْمَيُ الْبَصِيرٍ﴾ (الشوری: ۱۱).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست». ۳۵ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾.

(البقرة: ٢٥٥)

«هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی‌گیرد». برای این که زندگی و قیومیت (تدبیر عالم) خدا در بلندترین درجه کمال است.

۳۶ - ایمان می‌آوریم به این که به هیچ کس ظلم نمی‌کند؛ زیرا عادل است، و این که از اعمال و کردار بندگانش غافل نیست؛ زیرا او کاملاً آگاه و مراقب بر آفریدگانش است.

۳۷ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند، از آن چه در آسمان‌ها و زمین است، عاجز و ناتوان نیست؛ زیرا او در علم و قدرت خود کامل است: ﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَفَاعَةٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾. (بس: ۸۲).

«فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود». و این که هیچ خستگی و فرسودگی بر او وارد نمی‌شود

چرا که نیرو و قوت او کامل است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سَيَّرَةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ (ق. ۳۸).

«ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران و مرحله) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟!). (آیه کریمه اثبات‌کننده معاد است زیرا کسی که بر آفرینش آسمانها و زمین قادر بوده و از آفرینش آنها خسته و مانده نشود، به طریق اولی بر زنده کردن مردگان نیز توانا است)».

۳۸ - ایمان می‌آوریم به درست بودن آن چه خداوند برای خود ثابت کرد، رسول الله ﷺ برای او اثبات تصدیق کرده است، از نامها و صفت‌های باری تعالیٰ لیکن از دو امر نادرست به شدت دوری کرده، آن را انکار می‌کنیم:

اول - همانندی: یعنی (شباهت دادن و مانند کردن). این که کسی با قلب یا زبان خود بگوید که صفت‌های خداوند همانند

صفت‌های مخلوقات است.

دوم - کیفیت: یعنی چگونگی. این که با قلب یا زبان خود بگوید صفت‌های خداوند چنین و چنان است.

۳۹ - ایمان می‌آوریم به آن چه خدا از خودش، یا رسول الله، از خدا نفی و انکار کرده و از او دور دانسته‌اند و این که آن نفی و دوری، شامل اثبات کمال ضد آن (صفت‌های نفی شده برای خداوند است)، و آن چه خدا و رسولش الله در آن سکوت کرده‌اند، ما نیز در باره آن خاموش و ساكت می‌مانیم.

۴۰ - بر این باور و عقیده‌ایم که پیروی از این راه و روش، بر ما فرض و واجب است و باید آن را بپذیریم؛ زیرا آن چه خدا ثابت کرده، یا آن را از خود نفی کرده، خبری است که از سوی خود بر ما وحی نموده است، و خدای تعالی در باره خود، از هر کس دیگر داناتر و آگاه‌تر است. کیست که در گفتارش از خدا راستگوتر است؟ و کیست که نیکو تراز خداوند سخن گوید؛ و بندگانش به علم او نتوانند رسید.

آن چه رسول الله الله برای خدا ثابت کرده و یا از او نفی

نموده است خبری است که در باره خدا گفته است و خبر داده است؛ و او از هر بندۀ، به خدای یکتا عالم‌تر، داناتر و آگاه‌تر است، و او خیر خواه‌ترین مردم و راستگو‌ترین و شیوا سخن‌ترین انسان هاست.

در کلام خدا و رسولش علیه السلام دانش کامل و صدق و راستی و بیان است، و هیچ عذری در رد کردن یا شک کردن در آن نیست.



فصل

(قاعدہ شناخت صفات خداوند متعال)

۴۱ - در حقیقت، دلیل و استناد ما در همه آن چه از صفات باری تعالی، چه به صورت مژده، چه مختصر، و چه به طور اثبات یا نفی بیان کردیم، بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و گذشتگان و پیشینیان صالح و نیکوکار، و امامان اهل سنت و جماعت بوده است.

۴۲ - بر این عقیده‌ایم که باید کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کرد، چنان که باری تعالی شایسته و سزاوار آن معنی باشد. و از راه گمراهانی که صفات باری تعالی را تأویل کرده و به آن چه خدا و رسولش ﷺ می‌خواستند عمل نکردند، برائت و دوری می‌جوییم. و همچنین خود را از راه مُعطله^(۱) کسانی که صفات باری تعالی را تعطیل کرده و آن معنا و مفهومی که در آن

(۱) پیروان مذهب تعطیل؛ در اصطلاح اهل سنت فرقه‌های مذهبی که منکر صفات باری تعالی بوده، و از خداوندان نفی اسما و صفات می‌کرده‌اند. فرهنگ فارسی عمید - ویراستار.

صفات است آن را برای باری تعالیٰ اثبات نمی‌کند، برائت می‌جوییم.

و همچنین از راه کسانی که در آن صفات، غُلو و زیاده روی کرده، و آن را به صفات مخلوقات تشبیه می‌کنند و یا برای آن چگونگی و کیفیتی ثابت می‌کنند، برائت و دوری می‌جوییم.

۴۳ - ما یقین داریم که آن چه در قرآن و سنت آمده حق و حقیقت است، و در آن هیچ اختلاف و نقصی وجود ندارد؛ چنان که باری تعالیٰ می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ
غَيْرِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ أَخْيَلَنَا كَيْثِيرًا﴾ (النَّاسَ ۸۲).

«آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتد».

زیرا تناقض و اختلاف در اخبار، موجب آن می‌شود که برخی از آن برخی دیگر را رد نماید و این امر (که برخی از آیات و احادیث برخی دیگر آنرا تکذیب و رد نماید) در اقوال خدا و رسولش مستحيل و ناممکن است.

٤٤ - هرکس ادعا کند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ تناقض و اختلاف وجود دارد، دلالت بر قصد و نیت بد او، و گمراهی قلب او می‌کند، و باید توبه کرده، به سوی خدای متعال باز گردد و از گمراهی و جهالت، دوری جوید.

هرکس به فکرش چنین آید که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ اختلاف و تناقض وجود دارد، از چند حال خارج نیست: یا از کمی دانش و معرفت اوست، و یا از عدم فهم و ادراک اوست، و یا از کم فکری و نیندیشیدن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و معانی آن می‌باشد؛ پس باید چنین فردی در آموختن علم و معرفت صحیح بکوشد، و با اندیشه و تدبیر در آیات قرآن و معانی آن تلاش نماید تا حقیقت و یقین برای او روشن شود، و اگر نتوانست حقیقت را بداند، چنین مسایلی را به عالم آن که خداوند است واگذاشته و از تصور بی‌جا و تأمل جاهلانه در باره آن دوری جوید (و به آن ایمان آورده) و چنان گوید که صاحبان علم راستین می‌گویند که: ﴿كُلُّ مَنْ عِنْدِ

رَبِّنَا﴾. (آل عمران ٧).

«ما به همه آن ایمان آور دیم (چرا که) همه از سوی پروردگار ما است».

بداند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ هیچ تناقض و اختلافی وجود ندارد.



فصل

(ایمان به فرشتگان)

٤٥ - ایمان می آوریم به فرشتگان خدا و این که: ﴿عِبَادُ مُكَرَّمُونَ ﴿٦﴾ لَا يَسْتَقِنُهُ، بِالْفَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ، يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾﴾.
 (الأنبياء - ٢٦). (الأنبياء - ٢٧).

«آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند». خداوند، آنها را آفریده و آنان نیز به عبادت خدا برخاسته و به طاعت او عمل کرده‌اند؛ چنان که می فرماید: ﴿لَا يَسْتَكِرُونَ عَنِ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَسْتَحِسِرُونَ ﴿١١﴾ يُسَيِّعُونَ الْأَيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَقْنُونَ ﴿١٢﴾﴾.
 (الأنبياء - ١٩). (الأنبياء - ٢٠).

«(فرشتگان) هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی ورزند، و هرگز خسته نمی شوند. (تمام) شب و روز را تسییح می گویند؛ و سست نمی گردند».

خداؤند، فرشتگان را از ما پنهان کرده، ما آنان را نمی بینیم و ممکن است خداوند، آنها را برای برخی از بندگانش ظاهر و آشکار نماید؛ چنانکه رسول الله ﷺ جبریل ﷺ را بر صورت

حقیقی اش دید که ششصد بال داشت و تمامی کرانه آسمان را پوشانده بود و همچنین جبریل علیه السلام به چهره انسانی درآمد و با مریم، مادر عیسیٰ علیه السلام گفتگو کرد، و نیز به صورت مردی نزد رسول الله ﷺ آمد، و صحابه با رسول اکرم ﷺ نشسته بودند و کسی او را نشناخت، در حالیکه هیچ اثری از سفر بر او نبود، و لباس سفیدی بر تن داشت، و مویش سیاه بود، نزد رسول خدا نشست، زانو بر زانوی رسول الله ﷺ نهاد و دو دست بر ران پیامبر اکرم ﷺ گذاشت، با آن حضرت به گفتگو نشست. رسول اکرم پس از رفتن آن مرد، صحابه را خبر دادند که او جبریل؛ بود.

۴۶ - ایمان می‌اوریم که فرشتگان به اعمالی گماشته شده‌اند: همانند جبریل علیه السلام که به نزول وحی بر پیامبران گماشته شده است. و میکایل مأمور به نزول باران، و اسرافیل مأمور دمیدن در شیپور به هنگام برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است. و ملک الموت موکل به قبض روح، هنگام مردن است. و فرشتگان کوه موکلند به کوه‌ها، خداوند مالک را

دربان جهنم قرار داده است.

فرشتگانی هستند که مأمور بر جنین و بجههایی هستند که در شکم مادرانشان به سر می‌برند، فرشتگانی هستند که مأمور به نگهداری از بنی آدم و دفاع از ایشان هستند.

نیز فرشتگان دیگری به نوشتمن اعمال و کردار بنی آدم گماشته شده‌اند، و برای هر فردی دو فرشته قرار داده شده است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَاءِ قَيِّدٌ﴾^(١٧) ﴿مَا يَفْتَحُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَيْدٌ﴾^(١٨) (ق. ١٧-١٨).

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته، طرف راست (برای اعمال نیک) و فرشته چپ (برای اعمال بد) ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است».

فرشتگان دیگری هستند که خداوند، آن‌ها را برای سؤال و پرسش از مردگان، در هنگام دفن آن‌ها قرار داده است. دو فرشته بر مرده وارد می‌شوند و او را مورد بازخواست قرار داده

و می گویند: معبد تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ پس: ﴿يَتَبَّعُ اللَّهَ الَّذِينَ أَمْنَوْا بِالْقَوْلِ أَشَأْتُ فِي الْحَيَاةِ الْأَذْنِيَّةِ وَفِي الْآخِرَةِ وَيُهْلِكُ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَقْعُلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (٢٧). (ابراهیم)

«خداؤند کسانی را که ایمان آوردن، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت شان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آنها بر می گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می دهد!».

فرشتگان دیگری هستند که مکلفند به بهشتیان؛ خداوند می فرماید: ﴿يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ قَنْجِيلَ بَأْبِ﴾ (٣٣) ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنَعِمْ عَقْبَى الَّذِارِ﴾ (٣٤). (الرعد - ٢٣- ٢٤).

«از هر دری بر آنان وارد می گردند. (و به آنان می گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)».»

رسول اکرم ﷺ به ما خبر داده است که: «إِنَّ بَيْتَ الْمُعْمُورِ

في السماء يدخله، - وفي رواية - يصلى فيه، كل يوم سبعون ألف ملك ثم لا يعودون إليه آخر ما عليهم»). [اتفاق عليه].

بيت المعمور^(۱) در آسمان است. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل می‌شوند، و در روایتی در آن نماز می‌خوانند، سپس به آن خانه باز نمی‌گردند.



(۱) خانه یا مسجدی که گفته‌اند در آسمان هفتم برابر کعبه است؛ یعنی خانه‌ای که عاصی فرمان‌ها در آن است.

فصل

(ایمان به کتاب‌هایی که بر پیامبران نازل شده است)

۴۷ - ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالیٰ بر پیامبران خود کتاب‌هایی فرستاده تا حجت و دلیلی باشد برای جهانیان تا به آن عمل کنند و به وسیلهٔ آن کتاب‌ها، به جهانیان حکمت آموزنند، و آنان را پاکیزه نمایند.

۴۸ - ایمان می‌آوریم که خداوند بر هر پیامبری کتابی نازل فرموده؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَنزَلْنَا رُّسُلًا إِلَيْنَا بِالْبِيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مُحَمَّدًا أَكْثَرَكُمْ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقُسْطِ﴾. (الْحَمْدُ لِلّٰهِ).

ما رسولان خود را با دلایل و معجزات روشن و شریعت‌های آشکار فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی که دارای احکام و شرایع است) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

۴۹ - [شماری] از آن کتاب‌ها که بر ما ظاهر و آشکار می‌باشد، عبارتند از:

أ - تورات که بر موسی علیه السلام نازل فرموده است و آن

بزرگترین کتابهای بنی اسرائیل است: ﴿فِيهَا هُدَىٰ وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا الْتَّيْبُوتُ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبِيْبِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ إِمَّا أَسْتُخْفَظُوْا مِنْ كِتَابٍ اللَّهُ وَكَانُوا عَلَيْهِ شَهَادَةٌ﴾. (المائدۃ ۴۴).

«در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و (همچنین) علماء و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند».

و می‌فرماید: ﴿وَمَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدَىٰ وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدَىٰ وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴽ٥﴾. (المائدۃ ۴۶).

ب - «و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد؛ و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود».

﴿وَلَا جُنَاحَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾. (آل عمران ۵۰).

«و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه)، بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها)، حلال کنم».

ج - زبور که به پیامبر داود عطا شده بود.

د - صحف که به ابراهیم و موسی داده شده بود.

ه - قرآن کریم که بر خاتم پیامبران محمد نازل شد:

﴿مَدْيَ لِلنَّاسِ وَبَيْتَنِتِ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾. (آل عمران: ۱۸۵).

«قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است».

می فرماید: **﴿مُصَدِّقًا لِمَا بَيْتَ يَذِيهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَمِّشًا عَيْهِ﴾**.

(المائدہ: ۴۸).

«کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست».

پس، خداوند، قرآن را ناسخ و محو کننده تمامی کتاب‌های آسمانی گذشته قرار داده و عهده‌دار حفظ آن از عبث و تحریف و دست بردن در آن شده است: **﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الْكِتَابَ وَإِنَّا لَهُ لَتَنْهَظُونَ﴾**. (آل عمران: ۱۸۷).

«ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آئیم». زیرا این قرآن تا روز قیامت باقی است و آن هم حجت و

برهان بر تمامی جهانیان است.

اما کتاب‌های پیشین، هر کدام برای دوره و زمانی معین و معلوم بوده است که با نزول کتاب دیگری، صلاحیتش پایان یافته و کتاب بعدی، آن چه از تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن بوده بیان کرده است، به همین سبب کتاب‌های سابق، مصون از خطا و اشتباه نبوده و تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن‌ها وجود داشته است. خداوند می‌فرماید:

﴿قَنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّكُونَ الْكِلَمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾. (النَّاسَةُ: ٤٦).

«بعضی از یهود، سخنان(خدا) را از جای خود، تحریف می‌کنند».

﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْكِتَابَ بِأَنْيَاهُمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْرُكُوا بِهِ شَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَنِيَاهُمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾. (آل عمران: ٧٩).

«پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویستند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خدادست.» تا آن را به بهای کمی بفروشنند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتنند؛

و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند!».

﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَبَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَاطِبَسْ
بَيْدُوْنَهَا وَتَخْفُونَ كَثِيرًا﴾. (الأنعام: ٩١).

«بگو؛ چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ (اما شما) آن را بصورت پراکنده قرار می دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می دارید».

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُنَ الْأَيْنَاتَهُمْ بِالْكِتَبِ لِتَغْسِبُوهُ مِنَ الْكِتَبِ
وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكَيْبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِشَرِّيْرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَبَ وَالْحُكْمَ
وَالشَّبَّهَةَ ثُمَّ يَقُولُ لِلنَّاسِ كُوْنُوا عِبَادًا لِيْ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾. (آل عمران: ٧٩-٧٨).

«در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید آنچه را می خوانند، از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحة) می گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ

می بندند در حالی که می دانند! برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!».

﴿إِنَّا هُنَّا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تَحْقُولُونَ مِنْ الْكِتَابِ وَيَعْقُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنْ أَنَّ اللَّهَ نُورٌ وَكَتَبٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنْ أَتَيَّعَ رِضْوَانَهُ شَبِيلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ يَأْذِنُهُ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ﴿١٧﴾ . (المائة: ١٥-١٧).

«ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلاً افشاری آن مصلحت نیست)، صرف نظر می نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راههای سلامت، هدایت می کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می برد؛

و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند».



فصل

(ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها)

۵۰ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند متعال، پیامبران و رسولانی بر خلق و جهانیان فرستاد: ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِتَلَأَّ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ أَرْسَلْنَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (١٦٥). (النَّاسَ، ١٦٥).

«آنان پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند، توانا و حکیم است».

۵۱ - ایمان می‌آوریم به اینکه نخستین این پیامبران نوح عليه السلام و آخرين آنها محمد ﷺ می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ (النَّاسَ، ١٦٣).

«ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

و می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكُنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّنَ﴾ (الأحزاب، ٤٠).

«محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست».

ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است».

بهترین و برترین آن‌ها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی فرزند مریم ﷺ می‌باشد؛ چنانکه خداوند آنان را بطور خاص در این آیه مبارکه ذکر نموده است: ﴿وَلَذِ
أَخْذَنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِثْقَلَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ أُوْجَ قَبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَبْنَ مَرْيَمَ
وَلَأَخْذَنَا مِنْهُمْ مِثْقَلًا غَلِيظًا﴾ (الاحزاب ۷).

«(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)».

۵۲ - ما معتقدیم که دین و شریعت محمد ﷺ شامل تمامی فضیلت‌های شریعت پیامبرانی که سرشار از فضل بودند چنان که می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الَّذِينَ مَا وَعَنَّ يَدِهِ فُرَحًا
وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّنَا يَوْمَ إِنْزَالِهِمْ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَفْعِمُوا الْأَيْمَنَ وَلَا
نَنْفَرِقُوا فِيهِ﴾ (الشوری ۱۳).

«ایینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده

بود؛ و آنچه را بروت وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید!».

۵۳ - ایمان می‌آوریم به این که همه پیامبران، بشر و مخلوق هستند در وجود هیچ یک از ایشان صفات خداوند وجود ندارد. خداوند از زبان پیامبر نوح ﷺ می‌فرماید: ﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَرَائِينَ اللَّهُ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾. (مود ۳۱).

«من هرگز به شما نمی‌گوییم خزانی الهی نزد من است! و غیب هم نمی‌دانم! و نمی‌گوییم من فرشته‌ام».

خداوند به خاتم الانبیاء - محمد ﷺ - فرمان داد تا بگوید: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَرَائِينَ اللَّهُ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾. (الأنعام ۵۰).

بگو: «من نمی‌گوییم خزانی خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد)، از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی‌گوییم من فرشته‌ام».

و این که بگوید: ﴿لَا أَمِلُكُ لِتَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾.

(الأعراف). (۱۸۸)

«من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد».

و بگوید: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشْدًا﴾ (۲۱) ﴿قُلْ إِنِّي أَنْعَمْتُ مِنْ أَنْعَامِكُمْ أَحَدًا وَلَنَ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتَّهِدًا﴾ (۲۲) . (الجن: ۲۱-۲۲).

بگو: من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. بگو: (اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند، و پناهگاهی جز او نمی‌یابم».

۵۴ - ایمان می‌آوریم که تمام پیامبران، بنده‌ای از بندگان خدا هستند و خداوند متعال، آنان را به پیامبری، بزرگ داشته است و آنان را به بندگی در بلندترین مقام و بر شیوه مدح، وصف فرموده است؛ چنانکه در باره اولین آن‌ها - نوح علیہ السلام - می‌فرماید: ﴿ذُرْيَةً مَنْ حَمَلْنَا مَعَ ثُوِيقٍ إِنَّمَا كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ (۳) . (الإسراء: ۳).

«ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود».

عقيدة أهل السنة والجماعة

درباره آخرين آنها محمد ﷺ می فرماید: ﴿بَارِكُ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ

الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ ①. (الفرقان ۱).

«زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش

نازل کرد تا بیمدهنه جهانیان باشد».

[خدا] درباره پیامبران دیگر می فرماید: ﴿وَذَكْرُ عِبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْآيَتِيْ وَالْأَبْصَرِ﴾ ②. (ص ۴۵).

«و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را،

صاحبان دستهای (نیرومند در طاعت خدا) و چشمهاي (بینا)».

﴿وَذَكْرُ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِيْ إِنَّهُ أَوَّلُ عَبْدٍ﴾ ③. (ص ۱۷).

«و به خاطر بیاور بنده ما داود صاحب قدرت را، که او

بسیار توبه کننده بود!».

﴿وَهَبَنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ يَعْمَلُ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّلُ عَبْدٍ﴾ ④. (ص ۳۰).

«ما سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا

همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)!».

درباره عیسی، فرزند مریم، می فرماید: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا

عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِتَبَقِّي إِسْرَئِيلَ﴾ ⑤. (الزخرف ۵۹).

«مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشدیدم و او را نمونه و الگوئی برای بنی اسرائیل قرار دادیم».

۵۵ - ایمان می‌آوریم که خداوند متعال، رسالت‌ها را با پیامبری محمد ﷺ پایان داد و او را بر همه جهانیان فرستاد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ يَكَانُهَا أَنَّا شُرِّعْنَا لِرَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّكُمْ جَمِيعًا أَلَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْكِمُ وَتُبَيِّنُ فَعَمِلْنَا بِأَنَّا هُوَ وَرَسُولُهُ الَّذِي أَنْجَى أَلَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلَمَّتِهِ وَأَتَيْمُوهُ لَمَّا كُنْتُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (۱۰۸). (الأعراف)

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبدی بحق جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید».

۵۶ - ایمان می‌آوریم به این که شریعت و آیین محمد ﷺ همان دین اسلام است که خداوند، آن را برای بندگان خود

قبول فرمود و غیر از اسلام، هیچ دینی را از هیچ کس نمی‌پذیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْدِيَنَ عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا إِسْلَامٌ﴾. (آل عمران: ١٩).

«دین (پسندیده) در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

و می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتُ لَكُمْ إِلَّا إِسْلَامَ دِينًا﴾. (المائدة: ٣).

«امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را برابر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ عَرَفًا إِلَّا سَلَمَ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْغَاسِبِينَ﴾. (آل عمران: ٨٥). (A)

(و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است».

٥٧ – معتقدیم که اگر کسی ادعا کند، امروز دینی غیر از

دین اسلام مانند دین یهود و یا نصاری و غیر اینها در نزد خدا مقبول است، او کافر است و باید از او خواست تا توبه کند، و گرنه مرتد است، و کشتن او لازم است؛ زیرا قرآن را انکار کرده است.

۵۸ - ما بر این باوریم که هر کس به رسالت محمد ﷺ - که برای جهانیان است - کافر شود، در حقیقت، به تمام پیامبران کافر شده است؛ حتی پیامبری که ادعا می کند به او ایمان دارد و پیرو اوست؛ چنان که باری تعالی می فرماید:

﴿كَذَّبُتْ قَوْمٌ نُّوحَ الْمُرْسَلِينَ ﴾^{۱۰۵}. (الشعراء ۱۰۵).
«قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند».

و آنان را تکذیب کننده همه پیامبران دانسته است؛ در حالی که قبل از نوح ﷺ، پیامبری فرستاده نشده بود و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفِرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفْرِقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَيَقُولُونَ ثُمَّ مِنْ بَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَرِيَدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴾^{۱۰۶} أُولئک همُ الکفرون حَقًا وَأَعْتَدْنَا لِلکُفَّارِ عَذَابًا مُهِينًا

¹⁰⁵. (النساء ۱۵۰-۱۵۱).

«کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند. آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم».

٥٩ - ایمان می‌آوریم که هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست [و نخواهد آمد] و هرکس، پس از او ﷺ ادعای نبوت کند یا کسی که ادعاکننده نبوت را [باور کرده] و به راستی و درستی او گواهی بدهد، کافر است؛ زیرا تکذیب کننده و دروغ پندارنده خداوند و رسول خدا ﷺ و اجماع مسلمانان شده است.

٦٠ - ایمان می‌آوریم که پس از پیامبر ﷺ خلفای راشدین‌اند که در میان امت او با علم و معرفت و دعوت و ولایت، بر مؤمنان خلافت کردند و بهترین و شایسته‌ترین آنها به خلافت [به ترتیب]: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن خطاب،

سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب رض می‌باشند. و همچنان که در خلافت به ترتیب، قدر و منزلت داشتند، در فضیلت نیز چنان بودند و خداوند متعال - که برای اوست حکمت رسا و بالغ - ممکن نبود که بر این سده‌های برگزیده، شخصی را به خلافت منصوب کند؛ که از او شخص شایسته‌تری غیر از او وجود داشته باشد.

۶۱ - ایمان می‌آوریم به این که صاحب فضیلت کمتر از جمله^۱ اینان ممکن است دارای خصوصیت ویژه و یا برتری در بعضی خصوصیت‌ها باشد نسبت به آنکه از او برتر و افضل است، ولی ممکن نیست صاحب فضیلت و برتری مطلق بر آنان گردد؛ زیرا علل و انگیزه‌های فضیلت و برتری، بسیار زیاد است.

۶۲ - ایمان می‌آوریم که امت محمدی، بهترین امت‌ها و فاضل‌ترین آن‌هاست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿كُلُّ ثُمَّ خَيْرٍ أُمَّةٌ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَايُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَوْحِيدُنَّهُ﴾ بِاللَّهِ (۱۱۰). (آل عمران)

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛
 (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا
 ایمان دارید».

٦٣ - ایمان می‌آوریم که بهترین این امت، یاران و صحابه
 (صحابی مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام رسیده و
 محضر آن حضرت را درک کرده و مسلمان از دنیا رفته
 باشد^(۱) پیامبر ﷺ، سپس تابعین^(۲)، سپس تابع
 تابعین^(۳) می‌باشند.

٦٤ - ایمان می‌آوریم که در این امت گروهی هستند که تا
 روز قیامت بر حق بوده و مخالفت و دشمنی دشمنان و
 مخالفان هیچ ضرری به آن‌ها نمی‌رساند که فرمان و امر الهی
 جاری شود.

٦٥ - ما معتقدیم که آن چه بین صحابه و یاران پیامبر از

(۱) و گرنده صحابه گفته نمی‌شود.

(۲) در اسلام، مسلمانی را می‌گویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد.

(۳) جانشینان تابعین.

جنگ و اختلاف و فتنه رخ داد، از اجتهاد^(۱) آنان بود. کسی که از آنها بر حق بودند، برای او دو اجر است و کسی که بر حق نبود، برای او یک پاداش، و آن هم پاداشِ اجتهاد است و خطای او بخشوذه می شود.

۶۶ - ما معتقدیم که نباید از بدی آنان سخن بگوییم، بلکه آنان را به آن چه که از مدح و ثنا، سزاوار و شایسته آنند، بستاییم و دل‌های خود را از حقد و حسد و کینه آنان پاک کنیم؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَنَلَ أُولَئِكَ أَغْرِيَمُ دَرَجَةً يَنْ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَنَلُوا وَلَلَّهُ وَعَدَ اللَّهُ أَلْمَسْنَقَ﴾. (الحیدد: ۱۰).

«کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده است».

(۱) استبطاط مسائل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی.

می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوكُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَغْفِرْ لَنَا وَلَا حُزْنَى لَنَا أَلَّذِينَ سَبَقُونَا بِإِيمَانٍ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غَلَّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾. (المیراث ۱۰).

«همچنین» کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند می گویند: پروردگار!! ما و برادرانمان را که در ایمان بسیار پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حس و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگار!! تو مهربان و رحیمی».



فصل

(ایمان به روز قیامت)

۶۷ - ایمان می‌آوریم به روز قیامت. و آن روزی است که بعد از آن، روز دیگری نیست، وقتی مردم زنده شده، از قبرهای خود بر می‌خیزند تا این که زندگی ابدی را شروع کنند و راه ایشان یا به بهشت، و یا به دوزخ خواهد بود.

۶۸ - ایمان می‌آوریم به برانگیخته شدن. و آن هم زنده کردن خداوند مردگان را؛ در حالی که اسرافیل در شیپور می‌دمد: ﴿وَتُفْخِنَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنِ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ شَاءَ تُفْخِنَ فِي هُنَّا خَرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ (المرمر ۶۸).

(و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند).

در این وقت، مردم از قبرهایشان بر می‌خیزند؛ در حالی که پا بر هنگامند و لخت هستند و ختنه نشده‌اند: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ

عقيدة أهل السنة والجماعة

خَلَقَنِيْهُ وَعَدَنَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَعَلِيْلَكَ ﴿١٤﴾ . (الأبياء: ١٠٤).

«همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد».

٦٩ - ایمان می‌آوریم به نامهٔ اعمال و کردار که به دست راست و یا از پشت به دست چپ داده می‌شود: ﴿فَإِمَّا مَنْ أُوفَ كِتَبَهُ، يُمْبَيِّنُهُ ۚ ۷ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۸ وَتَنَقَّلُ إِلَّا أَهْلَهُ مَسْرُورًا ۹ وَإِمَّا مَنْ أُوقَى كِتَبَهُ، وَرَأَهُ ظَهِيرَةً ۱۰ فَسَوْفَ يَدْعَوْنَا بُؤْرًا ۱۱ وَيَصْلَى سَعِيرًا ۱۲﴾ . (الانشقاق: ٧-١٢).

«پس کسی که نامهٔ اعمالش به دست راستش داده شود. به زودی حساب آسانی برای او می‌شود. و خوشحال به اهل و خانواده‌اش باز می‌گردد. و اما کسی که نامهٔ اعمالش به پشتِ سرش داده شود. به زودی فریاد می‌زند: ای وای بر من که هلاک شدم. و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد».

﴿وَكُلَّ إِنْسَنٍ الْزَمْتَه طَهِرَه فِي عُنْقِهِ، وَنَخْرُجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَبًا يَقْنَهُ مَنْشُورًا ۱۳ أَفَرَا كِتَبَكَ كَهْنَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَيْكَ حَسِيبًا ۱۴﴾ . (الإسراء: ١٣-١٤).

«و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می‌گوییم): کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!».

۷۰ - ایمان می‌آوریم به ترازویی که در روز قیامت برای حساب و جزا و کیفر و پاداش گذاشته می‌شود و به هیچ کس ظلم نمی‌شود: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، ۷۱ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزلة: ۷-۸).

«پس هر کس هم وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. و هر کس هم وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند. ﴿فَمَنْ ثَلَثَتْ مَوَزِّنَةٌ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۱۰۲ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَزِّنَةٌ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَلِيلُونَ ۱۰۳ تَلْفُعُ وُجُوهُهُمُ الْأَنَارُ وَهُمْ فِيهَا كَلِيلُونَ ۱۰۴﴾ (اللؤمنون: ۱۰۲-۱۰۴).

«و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی

هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتها یشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌ای عروس دارند».

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَتَابِلَاهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُغْرِيَ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴾ ١٦٠﴾. (الأنعام).

«هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد».

٧١ - ایمان می‌آوریم به شفاعت عظمی و بزرگی که مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می‌طلبد تا این که بین مردم، به مصیبی که بر آنان وارد شده است، از هم و غم و سختی و شدت روزِ محشر قضاوت نماید؛ پس مردم نزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نزد ابراهیم، سپس نزد موسی، سپس نزد عیسی صلوات الله عليه و آله و سلم رفته تا این که سر انجام به پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم می‌رسند].

۷۲ - ایمان می‌آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می‌آورد و آن شفاعت، برای رسول الله ﷺ و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته‌ها می‌باشد.

و اینکه خداوند متعال، گروهی از مؤمنان را از جهنم بیرون می‌آورد بدون شفاعت کسی، بلکه به فضل و رحمت خداوندی.

۷۳ - ایمان می‌آوریم به حوض رسول الله ﷺ و این که آب آن سفیدتر از شیر، و شیرین‌تر از عسل است، و بوی آن بهتر از بوی خوش مشک می‌باشد. طول آن به مسافت رفتن یک ماه، و عرض آن نیز همان قدر است. ظرف‌های آن مانند ستارگان آسمان، زیاد و زیبا هستند و مؤمنان امت محمدی، بر آن وارد می‌شوند و هر کس که از آن حوض بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد.

۷۴ - ایمان می‌آوریم به صراط. و آن پلی است که بر جهنم نصب شده و مردم به قدر و اندازه اعمال و کردار خود از روی آن می‌گذرند، اولین آن‌ها مانند برق عبور می‌کند، سپس

بعد از آن همانند باد، سپس مانند پرنده‌ای و شد الرحال^(۱) رسول الله ﷺ بر پل ایستاده و می‌فرماید: بار خدایا! نجات ده، نجات ده، تا اینکه اعمال (بندگان) کم و ناتوان می‌گردد، و کسانی بیایند که از پل بطور خزیدن عبور کنند، و در دو طرف پل، قلاب‌هایی آویزان است و مأمورند کسی را که به آنان امر شود، بگیرند و به آنان خدشے وارد شده و مجروح می‌شوند و سپس نجات می‌یابند و دیگران به آتش جهنم می‌افتد.

۷۵ - ایمان می‌اوریم به تمامی آن چه در قرآن و سنت پیامبر ﷺ از اخبار و سختی و هراس آن روز آمده است، خدا ما را از آن نجات دهد.

۷۶ - ایمان می‌اوریم به شفاعت پیامبر ﷺ نسبت به اهل بهشت تا این که به آن داخل شوند و آنهم [شفاعتی که] مخصوص پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

۷۷ - ایمان می‌اوریم به بهشت و دوزخ و این که بهشت

(۱) مانند حیوانیکه بر آن بار حل کنند. در روایت دیگری آمده (کجا وید الخبل)، یعنی مانند اسبان خوب، تندرو و زرنگ - مترجم.

دار النعیم است که خداوند آن را برای مؤمنان پرهیزگار، مهیا کرده و در آن نعمت‌هایی است که هرگز چشم مانند آن ندیده، گوش مانند آن نشنیده، و دل بشر، مانند آن تصور نکرده است: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أَخْفَى لَهُمْ مِنْ قِرَأَةٍ أَغْيُنْ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ﴾. (السجدة ۱۷).

«هیچ کس نمی‌داند چه پادشاهی مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند».

و جهنم، دار العذاب است که خداوند آن را برای کافران ستمگر، مهیا ساخته و در آن عذابی هولناک و شدید است که هرگز در تصور هیچ بشری، خطور نکرده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ شَرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغْشُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهِلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ إِنَّكُمْ أَشَرُّ أَبْرَاثٍ وَسَاءَتْ مُرْفَقَاتُ﴾. (الكهف ۲۹).

«ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپردها اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان

عقيدة أهل السنة والجماعة

می کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است». و آن دو؛ یعنی بهشت و دوزخ، اکنون وجود دارد و هیچ گاه فانی نشده و از بین نخواهد رفت. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَلِحًا يُدْخِلُهُ جَنَّتَنِ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِيلِينَ فِيهَا أَبْدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا﴾ (الطلاق: ۱۱).

«و هرکس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد (و این راه را تداوم بخشد خداوند) او را در باغهایی از بهشت وارد می سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکوئی برای او قرار داده است».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الظَّاجِنِينَ وَأَعَذَّهُمْ سَعِيرًا ﴾ (٦٦) ﴿خَلِيلِينَ فِيهَا أَبْدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴾ (٦٧) ﴿يَوْمَ ثُقلَتْ وُجُوهُهُمْ فِي الْأَنَارِ يَلَيَّتْنَا أَطْعَنَاهُ اللَّهُ وَأَطْعَنَاهُ الرَّسُولُ﴾ (٦٨). (الأحزاب: ٦٦-٦٨)

«خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، در حالی که همواره در آن تا ابد می مانند، و ولی و یاوری

نخواهند یافت! در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم».

۷۸ - ما شهادت می‌دهیم به بهشت رفتن کسانی را که قرآن و سنت پیامبر ﷺ آن را بیان کرده، چه کسانی که پیامبر با نام، آنها را معلوم کرده، و چه کسانی که به وسیله صفت و نشانه‌ای، معین و مشخص شده‌اند؛ مانند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی ؓ که رسول اکرم ﷺ آنها را نام برده است.

چه آنانی که به سبب صفت و اعمالشان به بهشت وارد می‌شوند؛ مانند: هر مؤمن یا هر شخص پرهیزگار و متقدی۔

۷۹ - ما شهادت می‌دهیم به دوزخ رفتن کسانی را که قرآن و سنت رسول ﷺ آنها را بیان کرده است؛ چه با نام، و چه با وصف آنها. از کسانی که نام برده شده‌اند ابولهب و عُمر و بن لحی الخزاعی و مانند این‌هاست، و از کسانی که وصفشان آمده است: هر کافر و مشرکی که شرک اکبر دارد و همهٔ منافقان.

٨٠ - ايمان می آوریم به سختی قبر و سؤال و پرسش از مرده در قبرش؛ از معبد، دین و پیامبر او، پس: ﴿يُتَبَّعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الْثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾. (ابراهیم: ٢٧). «خداؤند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتšان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر».

انسان مؤمن در این جا می گوید: معبد من خدا، دین من اسلام، و پیامبر من محمد ﷺ است.

اما انسان کافر و منافق می گوید: نمی دانم؛ شنیدم مردم چیزی می گویند، من هم همان را گفتم.

٨١ - ایمان می آوریم به نعمت و آسایش قبر برای مؤمنان؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ نَنْوَهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبُونَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَمَلُّونَ﴾. (التحل: ٣٢).

«همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید!».

۸۲ - ایمان می‌آوریم به عذاب قبر برای ظالمان کافر؛
 چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذَا أَنْظَلْنَاكُمْ فِي عَمَانَتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ
 يَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوهَا أَنْفُسَكُمْ إِلَيْهَا يُبَغِّرُونَ عَذَابَ الْأَهْوَنِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَفْعُلُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرُ الْحَقِيقَ وَكُنْتُمْ عَنْ إِيمَانِكُمْ نَسْتَكْبِرُونَ﴾ (آل‌انعام: ۹۳).
 «و اگر بینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو
 رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود
 را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و
 نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید
 دید!» (به حال آنها تاسف خواهی خورد)».

احادیث در این باره زیاد وارد شده است و برای مؤمن
 روشن و آشکار است؛ پس بر هر انسان مؤمن، واجب است
 که به آن چه در قرآن و سنت رسول الله ﷺ از امور غیبی
 وارد شده است، ایمان بیاورد و به آن چه در دنیا مشاهده
 می‌کند با آن جدال و مقابله نکند، و آن را مورد تکذیب قرار
 ندهد؛ زیرا بین دنیا و آخرت فرق بسیار است. والله المستعان.



فصل

(ایمان به قضا و قدر)

۸۳ - ایمان می‌آوریم به قضا و قدر و خیر و شر آن، و آن هم تقدیر و سرنوشت خدا برای آفریدگان و خلائق. چنان که علم خدا بر آن سرنوشت، حکم کرده است. قضا و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبه^۱ اول: مرتبه علم است. ایمان می‌آوریم که خداوند متعال (با علم ازلی و ابدی خود) بر همه چیز عالم و داناست، دانا بر آن چه بوده، و آن چه خواهد بود، و بر چگونگی آن علم جدیدی برای وی به میان نمی‌آید که مسبوق به جهالت باشد، و بعد از علم فراموشی برایش عارض می‌شود.

مرتبه^۲ دوم: مرتبه نوشتن (آن علم است). ایمان می‌آوریم که خداوند متعال آن‌چه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است: ﴿أَلَّا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي الْكَوَافِرِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (٧٠). (الحج).

«آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است

می داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است».

مرتبه^۱ سوم: مرتبه^۲ مشیت و خواست خداست: ایمان می آوریم به اینکه خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است خواسته و هیچ چیز جز به مشیت و اراده او نخواهد بود، هر چه را که خدا خواهد می‌شود، و آن چه نخواهد، نمی‌شود.

مرتبه^۳ چهارم: مرتبه خلقت و آفرینش است. ایمان می آوریم به اینکه: ﴿أَللّٰهُ خَالقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾^۴ ﴿لَهُ مَقَالٰيذُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۵. (الزمر - ۶۲). «خداؤند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست».

این مراتب چهارگانه شامل آن چه از خود باری تعالی و آن چه از بندگان خواهد بود، می‌باشد.

پس هر چه بنده از گفتار و کردار و غیر آن انجام می‌دهد برای خداوند واضح، آشکار و معلوم است و خداوند آن را خواسته و به وجود آورده است: ﴿لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾^۶ وَمَا

عقيدة أهل السنة والجماعة

تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ . (التكوير ٢٨-٢٩).

«برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم پیش گیرد. و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوند - پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْسَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ﴾ . (البقرة ٢٥٣).

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَكَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ . (آل عمران ١٣٧).

«و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند (زیرا می‌توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد) بنابر این، آنها و تهمتها یشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)».

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ . (الصافات ٩٦).

«با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!».

اما با این حال، ایمان می‌اوریم که خداوند برای بندۀ خود اختیار و قدرت قرار داده تا با آن، عمل خود را انجام دهد و

نشانی بر این که بنده با خواست و اراده و اختیار خود عمل انجام می‌دهد:

[دلیل] اول: خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَتُوا حِرْثَكُمْ أَنَّى شَقَّمُ﴾. (البقرة

.۲۲۳)

«پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید». و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَا عَدُوا لِمَعْدَةٍ﴾. (آل عمران .۴۶). «اگر آنها (راست می‌گفتند، و) اراده داشتند که (بسی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند». پس آمادگی و مهیا شدن برای جنگ را با اراده مطلق و خواست خود، بر بندهٔ خود، ثابت کرده است.

[دلیل] دوم: توجیه امر و نهی به بنده. اگر بنده اختیار و قدرت نداشت، امر و نهی کردن به او از جمله تکالیفی بود که توانایی انجام آن را نداشت، و این امری است که حکمت خداوندی و رحمت او نمی‌پذیرد و از آن دوری می‌کند. خداوند در خبر صادق و راستین قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يُكْفُرُ
اللَّهُ تَقَسَّا إِلَّا وُسَعَهَا﴾. (آل عمران .۲۸۶)

«خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند».

[دلیل] سوم: ستایش نیکوکار به خاطر احسان و نیکی، و نکوهش بدکار بر عمل بد و ناشایست او. جزای هر کدام به آن چه سزاوارش هستند. اگر عمل و کردار بندۀ با اراده و اختیارش انجام نمی‌شد، مدرج نیکوکار، بی‌نتیجه و کیفر بدکار، ظلم به شمار می‌آمد و خداوند از کار بی‌ارزش و بی‌نتیجه و ظلم، منزه و پاک است.

[دلیل] چهارم: این که خداوند رسولانی را فرستاده است:

﴿مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِتَلَاقَ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾. (النساء: ۱۶۵)

«آنان پیامبرانی که بشارت دهنده و بیسم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود)؛ و خداوند، توانا و حکیم است».

اگر اعمال و کردار بندۀ با اراده و اختیار او انجام نمی‌گرفت حجت و برهان خدا در فرستادن رسولان و پیامبران، باطل می‌شد.

[دلیل] پنجم: هر کس احساس می‌کند که عملی را انجام می‌دهد، یا آن را ترک می‌کند، بدون آن که حس کند کسی او را به انجام آن کار و ادار کرده است؛ مثلاً با اراده مطلق و خالص خودش بر می‌خیزد، و می‌نشیند، داخل می‌شود، و خارج می‌گردد، مسافرت می‌کند، و ساکن می‌شود، بدون آن که هیچ احساس زور و اجبار در او به وجود آید، البته که فرق زیادی است میان کسی که به انجام چیزی اجبار شود، تا کسی که با اختیار مطلق، کاری را انجام دهد. آیین اسلام نیز بین این دو؛ یعنی اجبار و اختیار، فرق گذاشته است، پس هر کس عملی را انجام دهد و در انجام آن عمل ناگزیر و مجبور باشد، شرع و آیین اسلام، او را در آن‌چه به خدای باری تعالیٰ تعلق دارد، مورد بازخواست قرار نخواهد داد.

۸۴ - ما معتقدیم هیچ حجتی برای گناهکار در گناهش به خاطر قضا و قدر وجود ندارد، زیرا که گناهکار گناه را به اختیار خود انجام داده است، بدون آن که بداند که خداوند آنرا از قبل برای او سرنوشت کرده باشد، زیرا هیچ کس از

سرنوشت باخبر نیست مگر بعد از وقوع آن عمل: ﴿وَمَا تَدْرِي
نَفْسٌ مَّا ذَا تَكْسِبُ غَدَاءً﴾. (لقمان: ٣٤).

«و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد».

پس چرا [گناهکار] دلیلی می آورد که قبلًا در هنگام انجام آن کار، از آن بی خبر است و عذر می آورد که این، قضا و قدر خداست؟ خداوند، استناد کردن آنها به آن دلیل را با آیه زیر باطل می فرماید: ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكَنَا وَلَا
أَبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمَنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَبَ الظَّالِمُونَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا
بَأْسَنَافُ الْمُنْكَرِ هُنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَنْعِيْمُوْتَ إِلَّا الظُّنُّ وَإِنْ أَنْتُمْ
إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾. (الأنعام: ١٤٨).

«بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحريم می کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و

تخمینهای نابجا می‌زنید».

۸۵ - ما خطاب به گناهکاری که به قضا و قدر استناد می‌کند، می‌گوییم: چرا فرمان خدا را اجرا نکردی؟ ممکن بود خداوند این را برای تو سرنوشت کرده بود؛ زیرا وقتی انسان پیش از انجام کار، به سرنوشت جاهم باشد هیچ فرقی بین طاعت و معصیت برای او نیست، به همین سبب وقتی رسول الله ﷺ به صحابه فرمودند: «بَأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ قدْ كَتَبَ مَقْعِدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَمَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ قَالُوا: أَفَلَا تَنْكِلُ وَنَدْعِ الْعَمَلَ؟ قَالَ: لَا، اعْمَلُوا فَكُلُّ مَيْسِرٍ لِمَا خَلَقَ لَهُ». [البخاری].

«جایگاه هر کس، در بهشت و دوزخ نوشته شده است، صحابه گفتند: آیا توکل به خدا کرده، انجام عمل و کار را ترک کنیم؟ آن حضرت ﷺ فرمود: نه، عمل را انجام دهید؛ زیرا هر کسی آن چه بر او نوشته شده انجام می‌دهد».

۸۶ - باز خطاب به گناهکاری که قضا و قدر را دلیل گرفته می‌گوییم: اگر بخواهی به مکّه مکرمه سفر کنی و مکّه دو راه داشت و شخصی راستگو به تو بگوید که یکی از این دو راه،

عَقِيَّةُ أَهْلِ السَّنَةِ وَالْجَمَاعَةِ

خطرناک و دشوار است و راه دیگر آسان و ایمن است، پس حتماً راه دومی را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست راه اولی را برگزینی و می‌گویی این سرنوشت من است، و اگر راه اولی را انتخاب کنی، مردم تو را دیوانه می‌دانند.

۸۷ - همچنین به او می‌گوییم: اگر دو کار به تو محول کنند و معاش ماهانه یکی از آن‌ها بیشتر باشد، حتماً تو آن کار را بر خواهی گزید که معاش زیادتری دارد؛ پس چه طور و چگونه برای روز رستاخیز خود، آن چه را بدتر و دارای ثواب کم‌تر است انتخاب می‌کنی و می‌گویی این قضا و قدر و سرنوشت من است؟!

۸۸ - به او می‌گوییم وقتی به مرضی مبتلا شدی، در هر مطب و دکتری را می‌زنی تا تو را درمان کند و به آن چه از درد و سختی جراحی و تلخی دارو بر تو وارد می‌شود صبر می‌کنی؛ پس چرا با قلب مریض خود، این کار را نمی‌کنی و بیماری گناه و معصیت آن را معالجه نمی‌کنی؟

۸۹ - ما ایمان می‌آوریم که شر و بدی به خداوند نسبت

داده نمی‌شود؛ زیرا رحمت و حکمت او کامل است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «والشر ليس إليك». [مسلم].

شر و بدی نزد تو وجود ندارد.

پس هیچ‌گاه در قضا و قدرِ خداوند، ابداً شر نیست؛ زیرا [قضا و قدر] از حکمت و رحمت او صادر می‌شود، و شر در مخلوقات و مقتضیات او می‌باشد؛ چنان که رسول الله ﷺ به حسن بن علی ؓ در دعای قنوت چنین آموخت: «وَقَنِيْ شَرٌّ مَا قَضَيْتُ» «مرا از شری که قضا کردی دور فرما» و شر و بدی به آن چه قضا فرموده اضافه کرد. با این حال، شر موجود در آن چه قضا شده است، شر و بدی محض و مطلق نیست، بلکه از یک جهت شر و بدی است که در محل آن است، و در جهت دیگر خیر است؛ مثل فساد در زمین، و خشکی و قحطی و مرض و فقر و گرسنگی و ترس، شر و بدی است، ولی در جای دیگر خیر است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿ظَاهَرَ الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتِ أَيْمَانِ النَّاسِ لِيُذْيِقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَئِنَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (الروم: ۴۱).

«فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگرددن». همچنین قطع کردن دست دزد و سنگسارکردن زناکار برای آنها شر است؛ زیرا دست دزد قطع می‌شود و جان زناکار از بین می‌رود، ولی از جهت دیگر برای آنها خیر است؛ چون کفاره گناهان آنها خواهد بود، و کیفر دنیا و آخرت با هم جمع نخواهد شد، و از جهت دیگر نیز خیر است؛ زیرا در آن حمایت از اموال و ناموس و نژاد بشر است.



فصل

(ثمرات و فایده‌های عقیده: صحیح)

۹۰ - این عقیده بُلند و عالی، در برگیرنده اصولی عظیم و بزرگ است، و به کسی که به آن معتقد باشد، ثمره و فایده‌های بسیاری می‌رساند مانند:

ایمان به خدای تعالی، و نام و صفت‌های او، که به بندۀ ثمره محبت و بزرگداشت او را می‌بخشد و موجب اطاعت و پیروی از فرمان‌های [خدا] و دوری از نواهی خواهد شد؛ زیرا اطاعت و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی، بیار آورنده سعادت در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنَجْزِيَنَّهُ حَيَّةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَخْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (التحلیل: ۹۷).

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». ۹۱ - [شماری] از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به فرشتگان

عبارة تند از:

اول: علم و شناخت بزرگی و عظمت آفریننده آنها و قدرت و پادشاهی او سبحانه.

دوم: شکر و سپاس باری تعالیٰ به خاطر عنایت بر بندگان و سرپرستی آنها؛ چنان‌که این فرشتگان را موکل کرده تا از آنها حفاظت و نگهداری کنند و اعمال و کردارشان را بنویسند و نیز فایده‌های دیگر.

سوم: محبت و دوستی فرشتگان بسبب عبادتی را که به طور کامل انجام داده‌اند و بسبب استغفارشان برای مؤمنان.

٩٢ - از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به کتاب‌های خدا:

اول: علم و معرفت به رحمت خداوند تبارک و تعالیٰ و عنایت و توجه او به بندگان خود؛ چنان‌که برای هر قوم و نژادی، کتابی جهت هدایت و راهنمایی آنها فرستاده است.

دوم: آشکار شدن حکمت خداوندی هنگامی که راه را برای بندگان روشن و معین فرمود و کتاب‌ها را برای هر امتی - آن‌چه مناسب آن‌هاست - فرستاد و آخرین این کتاب‌ها قرآن مجید

است که مناسب تمام انسان‌ها در هر زمان و مکان تا روز قیامت می‌باشد.

سوم: سپاس و شکر، از خداوند متعال به خاطر نعمت‌هایش.

۹۳ - فواید ایمان به پیامبران:

اول: علم و شناخت رحمت خداوندی و عنایت الهی بر بندگانش؛ زیرا پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آنان فرستاده است.

دوم: شکر و سپاس از خداوند به خاطر این نعمتهاي بزرگ.

سوم: محبت و دوست داشتن پیامبران و احترام و بزرگداشت و مدح و ثنای آنان به آن‌چه شایسته آن هستند؛ زیرا آن رسولان و پیامبران از بهترین بندگان خدا هستند، برای عبادت و تبلیغ پیام خدا و نصیحت بندگان. رسولانی که در برابر آزار و اذیت بندگان، صبر و شکریابی کردند.

۹۴ - از فایده‌های ایمان به روز آخرت:

اول: حریص بودن بر طاعت و فرمان باری تعالی از روی رغبت به خاطر پاداش روز قیامت و پرهیز از معصیت و گناه به

جهت ترس از کیفر آن روز.

دوم: دل^۰ خوشی و تسلی مؤمن در برابر حرمان از نعمت‌های دنیا و امیدوار بودن به نعمت و خوشی‌های که در آخرت نصیب وی خواهد شد.

۹۵ - از فواید ایمان به قضا و قدر (سرنوشت):
اول: اعتماد به خداوند در انجام هر کار؛ زیرا کار و سبب انجام آن، منوط به قضا و قدر خداوند متعال است.

دوم: راحت روح و جان و اطمینان قلب؛ وقتی انسان بداند که این قضا و قدر خداست و مکروه و شر و بدی حتماً وجود دارد، جان و روح او آسوده خواهد شد و قلب او به قضا و قدر، اطمینان پیدا خواهد کرد. بنابر این هیچ کس زندگی‌اش بهتر و روح و جانش پاک‌تر و اطمینان‌ش قوی‌تر از فردی که ایمان به قضا و قدر دارد، نیست.

سوم: دور کردن غرور و خودپسندی از روح و جان هنگامی رسیدن به آرزو و هدف؛ زیرا آن نعمت از تقدیر و سرنوشت خداست که به دست آوردنش فقط با مهیا نمودن

اسباب خیر ممکن است و پیروزی از جانب خداوند بوده است. در اینجا خدای را به خاطر نعمتش شکر و سپاس می‌گوید و از غرور، خودپسندی و خودبینی، دوری و اجتناب می‌ورزد. چهارم: دوری از بی‌تابی و پریشانی در باره نرسیدن به هدف و آرزویی، یا واقع شدن شر و بدی؛ زیرا آن [ناکامی] از قضا و قدر باری تعالی است (کسی که مالک آسمان‌ها و زمین است) و آن هم ناگزیر واقع خواهد شد، پس صبر و شکیبایی می‌کند بر آن سختی‌ها، اجر و پاداش را از خداوند می‌طلبد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا
فِي كِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ أَنْ تَنْزَلَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (۲۲) ﴿لَكُمْ لَا تَأْسُوا
عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْتُكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوبٍ﴾ (۲۳).

﴿هیچ مصیبی در زمین (مانند: قحط باران، ضعف گیاهان، نقص میوه‌ها)، و نه در وجود شما (مانند: آفت‌ها، بیماریها، رنجها، فقر) روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه آن (زمین، مصیبت، مردم) را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت

است؛ و این امر برای خدا آسان است! این بخاطر آن است که برای آنچه (از دنیا) از دست داده اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد!».

در پایان، از خدای تعالی می خواهیم تا ما را بر این عقیده، ثابت و استوار گرداند، و ثمره آنرا به ما برساند، و از فضل خود بر ما زیاد فرماید، و قلب ما را بعد از هدایت منحرف نگرداند، و از رحمت خود به ما عطا فرماید.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان.

بقلم مؤلف: محمد بن صالح العثيمين

٣٠ / شوال / ١٤٠٤ هـ. ق

برای ارتباط با مترجم می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:
السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. ب: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com
es@al-islam.com

عقيدة أهل السنن الظاهرة

تأليف الشیخ
مکرر العلل في المینعین
ترجمة
رسانه

ترجمة:
إسحاق بن عبد الله ديري البوني

باللغة الفارسية

وكالة الوزارة لشئون المطبوعات والبحث العلمي
ص.ب ٦١٨٤٣ الرياض - ١٥٧٥ - هاتف : ٤٧٣٦٩٩٩ - فاكس: ٤٧٣٧٩٩٩
www.al-islam.com www.qurancomplex.org